



دانشگاه تربیت معلم بروجرد

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد (M.A.)

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

## **بررسی مقامات و احوال در چهار اثر برگزیده‌ی نظم و نثر عرفانی (اللمع فی التّصوّف، رساله‌ی قشیریّه، منطق الطّیر و مثنوی معنوی)**

**استاد راهنما:**

**دکتر عباس محمدیان**

**استاد مشاور:**

**دکتر علی تسنیمی**

**پژوهشی و نگارش:**

**لیلا اکبرزاده**

**زمستان ۹۰**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم به

پدر و مادرم

که اقیانوس های بی کران عشقتد

و مهربانی هایشان دارایی کران بهایی ست برای سخطه سخطه های زندگانیم.

همسرم، امید

که همراهی اش پیام آور روزهای روشن است و بودنش بهانه ای برای زیستن.

## سپاس‌گزاری

فراهم آمدن این پژوهش، پس از الطاف و عنایات بی‌کران حضرت حق، با راهنمایی‌ها و همراهی‌های سروران گران‌قدری حاصل شد که سپاس‌گزاری، جبران گوشه‌ی ناچیزی از زحمات این عزیزان است.

استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر عباس محمدیان، که راهنمایی‌های استادانه‌ی خویش را از من دریغ نداشتند و همواره ندانسته‌های بی‌شمارم را پاسخ گفته‌اند و خامی‌هایم را صبورانه تحمل کرده‌اند.

استاد عزیزم، جناب آقای دکتر علی تسنیمی، که دلسوزی‌هایشان نه تنها در طول نوشتن این تحقیق، بلکه در این دو سال، تحمل سختی‌ها را بر من هموار کرده است.

و تمام عزیزانی که در نوشتن این پایان‌نامه مرا یاری کرده‌اند.



دانشگاه تربیت مدرس

## فرم چکیده پایان نامه دوره تحصیلات تکمیلی

### دفتر مدیریت تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: اکبرزاده	نام: لیلا	شماره دانشجویی: ۸۸۳۳۳۲۱۲۹۷
استاد راهنما: دکتر عباس محمدیان	استاد مشاور: دکتر علی تسنیمی	
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	رشته: زبان و ادبیات فارسی	
مقطع: کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۱۱/۵	تعداد صفحات: ۱۸۰
عنوان پایان نامه:		
بررسی مقامات و احوال در چهار اثر برگزیده نظم و نثر عرفانی (اللمع فی التصوف، رساله‌ی قشیریّه، منطق الطیر و مثنوی معنوی)		
کلیدواژه‌ها: مقامات، احوال، عرفان و تصوف، اللمع فی التصوف، رساله‌ی قشیریّه، منطق الطیر، مثنوی معنوی.		
<p>مقامات و احوال از جمله مباحث مهم عرفان و تصوف اسلامی هستند که سلوک عارف به سوی حقیقت و اتحاد با حق را امکان‌پذیر می‌کنند. این موضوعات در اکثر کتاب‌های عرفانی مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش به بررسی این مقامات و احوال در <i>اللمع فی التصوف</i>، <i>رساله‌ی قشیریّه</i>، <i>منطق الطیر</i> و <i>مثنوی معنوی</i> پرداخته‌ایم که هر یک از جایگاه ویژه‌ای در عرفان و تصوف اسلامی و همچنین ادبیات عرفانی برخوردار هستند و نویسندگان و سرایندگان آنها نیز از جمله بزرگان این حوزه محسوب می‌شوند. موضوع مقامات و احوال در این آثار، شباهت‌های فراوانی با یکدیگر دارد، چرا که اساس همه‌ی این دیدگاه‌ها دین اسلام و موازین عرفان اسلامی بوده است. با این حال، تفاوت‌هایی نیز در جزئیات این آرا مشاهده می‌شود. هدف اصلی این بررسی مقایسه‌ی دیدگاه‌های این بزرگان درباره‌ی مقامات و احوال، توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در آرای آنها و همچنین دلایل شکل‌گیری این دیدگاه‌هاست. مقایسه‌ی مراحل سیر و سلوک در این آثار نشان داد که دیدگاه‌های ابونصر سراج و ابوالقاسم قشیری یکسان است اما عطار نیشابوری نظرات متفاوتی در این باره دارد. همچنین مولانا علی‌رغم نگره گسترده‌ای که به سیر تکاملی انسان دارد؛ پیرو دیدگاه‌های ابونصر است.</p>		

## فهرست مطالب

پیش‌گفتار ..... الف

### فصل اول: معرفی نویسندگان و آثار آنها

- بخش اول: معرفی نویسندگان و آثار آنها ..... ۲
- ابونصر سراج طوسی ..... ۲
- کتاب اللمع فی التصوف ..... ۳
- ساختار کلی اللمع فی التصوف ..... ۴
- ارزش علمی و تاریخی کتاب اللمع فی التصوف ..... ۶
- ابوالقاسم قشیری ..... ۷
- رساله‌ی قشیریّه ..... ۸
- ساختار کلی رساله‌ی قشیریّه ..... ۹
- عطار نیشابوری ..... ۱۰
- منطق الطیر ..... ۱۱
- ساختار کلی منطق الطیر ..... ۱۲
- مولانا جلال‌الدین محمد بلخی ..... ۱۳
- مثنوی معنوی ..... ۱۴
- بخش دوم: مشرب‌های فکری شعرا و نویسندگان این آثار ..... ۱۷

۱۷	..... ابونصر سراج و جایگاه او در تصوّف قرن چهارم هجری
۱۷	..... ویژگی های عرفان در قرن چهارم
۱۸	..... مشرب فکری ابونصر
۱۹	..... ابوالقاسم قشیری و جایگاه او در قرن پنجم هجری
۲۰	..... مشرب فکری و عرفان قشیری
۲۰	..... جایگاه عطّار نیشابوری در تصوّف قرن هفتم
۲۱	..... مشرب فکری و عرفان عطّار
۲۳	..... جایگاه مولانا در تصوّف قرن هفتم و پس از آن
۲۳	..... مشرب فکری و عرفان مولانا
۲۵	..... بخش سوم: عرفان و تصوّف اسلامی
۲۵	..... عرفان و عارف
۲۶	..... تصوّف و صوفی
۲۷	..... تفاوت عرفان و تصوّف
۲۷	..... سرچشمه های اصلی تصوّف در اسلام
۲۹	..... تأثیرپذیری صوفیه از آیات و روایات
۳۱	..... صوفیه و تأویل آیات قرآنی
۳۱	..... وجوه قرآن
۳۲	..... وجوه عرفانی قرآن
۳۳	..... علم تأویل
۳۵	..... اقسام تأویل
۳۶	..... صوفیه و عرفا و علم تأویل

### فصل دوم: مقامات و احوال

۴۰	..... بخش اوّل: پیشینه ی مقامات و احوال
----	---

.....	سیر و سلوک در عرفان اسلامی	۴۰
.....	پیشینه‌ی پیدایش مقامات و احوال در عرفان اسلامی	۴۱
.....	مقام	۴۲
.....	حال	۴۴
.....	<b>بخش دوم: تأثیر ادیان و مذاهب غیراسلامی بر تصوّف و موضوع مقامات و احوال</b>	۴۶
.....	پیدایش عرفان	۴۶
.....	دلایل تأثیر ادیان و مذاهب پیش از اسلام بر تصوّف و عرفان اسلامی	۴۸
.....	ریشه‌ی مقامات و احوال در این آیین‌های پیش از اسلام	۵۱
.....	تجربه‌های عرفانی	۵۱
.....	- ادیان و آیین‌های ایران باستان	۵۳
.....	۱- آیین زرتشتی	۵۳
.....	۲- میترائیسم (آیین مهرپرستی)	۵۵
.....	۳- آیین مانی	۵۶
.....	۴- آیین بودا	۵۸
.....	عرفان در دین یهود	۵۹
.....	مقامات و احوال در عرفان مسیحی	۶۰
.....	<b>بخش سوم: مقامات و احوال در آثار عرفا و صوفیه</b>	۶۱
.....	تفاوت حال و مقام	۶۱
.....	ویژگی‌های احوال	۶۱
.....	ویژگی‌های مقامات	۶۳
.....	نگاهی گذرا به مقامات و احوال در آثار برجسته‌ی صوفیانه	۶۳
.....	بررسی مقامات و احوال در چهار اثر اللمع فی التّصوّف، رساله‌ی قشیریّه، منطق الطّیر و مثنوی معنوی	۶۶
.....	مقامات و احوال در اللمع فی التّصوّف	۶۶



رساله‌ی قشیریّه .....	۸۱
احوال در رساله‌ی قشیریّه .....	۸۶
مقامات و احوال در منطق‌الطیر .....	۹۳
مقامات و احوال در مثنوی معنوی .....	۱۰۲
دیدگاه مولانا درباره‌ی قواعد سیر و سلوک .....	۱۰۴
حال و مقام در نگاه مولانا .....	۱۰۶
بخش چهارم: مقایسه‌ی مراحل مقامات و احوال در چهار اثر مورد بحث .....	۱۳۰
مقایسه‌ی تعریف‌های مقامات و احوال .....	۱۳۰
تعداد و دسته‌بندی .....	۱۳۲
مقایسه‌ی شیوه‌ی نگارش .....	۱۳۳
مقایسه‌ی مراحل مختلف سلوک .....	۱۳۴

### فصل سوم: نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری .....	۱۴۱
منابع و مأخذ .....	۱۴۵
فهرست اشخاص .....	۱۵۲
فهرست آیات .....	۱۵۵
فهرست روایات .....	۱۵۷
فهرست اصطلاحات عرفانی .....	۱۵۸

## پیش‌گفتار

عرفان و تصوّف اسلامی در نخستین قرن‌های ظهور دین مبین اسلام و در بستر اصول و مبانی آن متولد شد. منظور کلی از عرفان و تصوّف پیوند شریعت با راه و روشی خاص است که باعث دستیابی رهروان آن به حقیقت می‌شود. دامنه‌ی این طریقه که ابتدا با شیوه‌های زهدآمیز آغاز شده بود، به تدریج گسترش یافت و اصول و قوانین و اصطلاحات ویژه‌ای برای آن تعریف شد. از جمله اصطلاحات مهم عرفانی مقامات و احوال است. این دو اصطلاح در مورد مراحل که سالک باید برای رسیدن به حق سپری کند، به کار برده می‌شود. براساس تعاریفی که اغلب عرفا و متصوّفه از این اصطلاحات ارائه می‌دهند، مقامات، مراتبی هستند که سالک با تلاش و گذراندن ریاضت‌ها و سختی‌ها به دست می‌آورد. این مراحل دارای دوام هستند و برای سالک باقی می‌مانند. احوال شامل حالاتی است که بدون دخالت سالک بر قلب او وارد می‌شود و در اندک زمانی از میان می‌رود. از آن‌جا که هدف اصلی اعمال و تعالیم عرفانی، رساندن راهرو به حق است و طیّ این مسیر با گذراندن مراحل و مراتبی خاص امکان‌پذیر می‌شود؛ مقامات و احوال در اکثر متون عرفان و تصوّف مورد توجّه بوده است. هر چند اساس دیدگاه اهل تصوّف در این زمینه تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد؛ در جزئیات این موضوع اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد. از جمله تفاوت در تعداد و ترتیب مقامات و احوال، اختلاف نظر درباره‌ی این که کدام یک در دسته‌ی احوال و کدام در دسته‌ی مقامات می‌گنجد و همچنین ثبات و از میان رفتن آن‌ها.

در این پژوهش برآنیم دو اصطلاح عرفانی مذکور را در چهار اثر برگزیده‌ی نظم و نثر مورد بررسی قرار دهیم. این آثار شامل *اللمع فی التصوّف*، تألیف ابونصر سراج طوسی، *رساله‌ی قشیریّه*

تألیف ابوالقاسم قشیری، *منطق الطیر عطار* نیشابوری و *مثنوی معنوی* مولانا جلال‌الدین بلخی است که هر یک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است *اللمع* و *رساله‌ی قشیریّه* از امّهات متون تصوف اسلامی به شمار می‌آیند که اغلب مباحث مربوط به آن را شرح و توضیح داده‌اند. *منطق الطیر* و *مثنوی معنوی* نیز نه تنها ارزش عرفانی ویژه‌ای دارند، بلکه از آثار طراز اول ادبیات عرفانی در جهان محسوب می‌شوند.

هدف اصلی این بررسی، مقایسه‌ی مقامات و احوال در آثار فوق و نشان دادن تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در دیدگاه‌های این مؤلفان و سراینندگان است. پژوهش حاضر در دو فصل کلی تدوین شده است که هر یک بخش‌های کوچک‌تری را در بر می‌گیرند. در فصل اول به بیان کلیات موضوع پرداخته‌ایم که شامل ذکر مختصری از شرح حال مؤلفان، مشرب فکری آن‌ها و ساختار کلی اثر مورد نظر و مباحثی مربوط به عرفان و تصوف اسلامی، سرچشمه‌های آن و تأثیرپذیری صوفیه از آیات قرآنی می‌شود. در فصل دوم این تحقیق که قسمت اصلی بحث را تشکیل می‌دهد. ابتدا پیشینه‌ی مقامات و احوال در اسلام و ادیان و آیین‌های پیش از آن را بررسی کرده‌ایم و سپس با نگاه مختصری به موضوع حال و مقام در تصوف به تحلیل این اصطلاحات در چهار اثر مورد بحث پرداخته‌ایم. در نهایت مقایسه‌ای میان این تحلیل‌ها انجام داده، نتیجه‌ی کلی حاصل از این پژوهش را به خوانندگان ارائه داده‌ایم.

لازم به ذکر است که در انجام این پایان‌نامه از چهار نسخه از کتاب‌های اصلی مورد بحث استفاده شده است که به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

۱- کتاب *اللمع فی التصوف*، تصحیح و مقدمه‌ی رینولد نیکلسون و ترجمه‌ی مهدی محبتی.

۲- *رساله‌ی قشیریّه*، ترجمه‌ی ابو علی احمد ابن عثمانی و مقدمه و تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر.

۳- *منطق الطیر* فرید الدین عطار نیشابوری، تصحیح و مقدمه‌ی محمد رضا شفیعی کدکنی.

۴- *مثنوی معنوی* مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، تصحیح رینولد نیکلسون.

## ضرورت انجام تحقیق

آثاری که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است، جزو متون برجسته و مورد توجه عرفان و تصوف اسلامی هستند و مؤلفان و سرایندگان آنها از بزرگان و صاحب‌نظران این حوزه به شمار می‌آیند، از آنجا که طی مراحل سلوک جهت رسیدن به حقیقت، از جمله مباحثی است که در هر یک از این آثار مورد توجه قرار گرفته است. یقیناً جمع‌بندی و بررسی دیدگاه آنها درباره‌ی یکی از مسایل با اهمیت در زمینه‌ی عرفان و تصوف خالی از فایده نخواهد بود. هرچند موضوع مقامات و احوال در بسیاری از آثار متأخر بررسی شده است؛ مقایسه‌ای آرا مختلف در این باره کمتر مورد توجه بوده است. بنابراین، مقایسه‌ی این دیدگاه‌ها و توجه به موارد تفاوت بین آنها نیز کاربردهایی در حوزه‌ی ادبیات و عرفان خواهد داشت.

## پیشینه‌ی تحقیق

از آغازین دوره‌های حیات مکتوب عرفان و تصوف اسلامی، حضور مباحثی درباره‌ی مقامات و احوال در آثار پدید آمده، دیده می‌شود. شکل‌گیری این اصطلاحات را ابتدا در آثار کسانی مانند حکیم ترمذی می‌توان یافت و پس از آن رشد و گسترش تدریجی این مباحث و نظم و قانون‌مندی بیشتر آنها در تألیفات عرفا و صوفیه می‌توان جست‌وجو کرد. در این آثار به بیان آرای گذشتگان و پیشگامان در نخستین دوره‌های تصوف اسلامی، بررسی جایگاه مذهبی این اصطلاحات، بیان دیدگاه‌های شخصی مؤلف و گاه تعدد آرای سایرین پرداخته شده است. به عنوان مثال، در کتاب *اللمع فی التصوف* تألیف ابونصر سراج، مراحل مختلف حال و مقام، توجه به ریشه‌های مذهبی این مراحل و ذکر دیدگاه‌های سایر عرفا بیان شده است، سپس در دوره‌های اخیر، توجه به این اصطلاحات در فرهنگ‌های اصطلاحات عرفان و تصوف و کتاب‌هایی که به مبانی عرفان و تصوف پرداخته‌اند دیده می‌شود. به عنوان نمونه، می‌توان به *فرهنگ اصطلاحات تصوف*، تألیف سید صادق

گوهرین و یا فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی تألیف سید جعفر سجّادی، تاریخ تصوّف اسلام تألیف قاسم غنی و... اشاره کرد. همچنین آثار متأخرتری نیز در این زمینه نگاشته شده است. از جمله‌ی این آثار می‌توان به کتاب آموزه‌های صوفیان از دیروز تا امروز تألیف سید حسین نصر اشاره کرد. در این کتاب فصلی تقریباً مفصّل به بررسی مقامات و احوال پرداخته شده است. در حوزه‌ی اصطلاحات تصوّف پژوهش‌هایی نیز در قالب مقاله و پایان‌نامه صورت گرفته است که معمولاً بررسی اصطلاحات در تعدادی از کتاب‌های عرفانی را در بر می‌گیرد. یکی از این مقالات، با موضوع مقامات عرفانی در آثار صوفیانه از آغاز تا قرن هشتم است که توسط دکتر مریم اسدزاده نگاشته شده است.

#### اهداف تحقیق

- جمع‌آوری آرا و عقاید بزرگان عرفان و تصوّف (که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند) درباره‌ی مقامات و احوال؛
- توجّه به زمینه‌های مؤثر در به وجود آمدن این مباحث؛
- بررسی مقایسه‌ای این دیدگاه‌ها و همچنین توجّه به موارد تفاوت و اختلاف نظر درباره‌ی مقامات و احوال.

#### سؤالات اساسی تحقیق

- ۱- پیدایش مقامات و احوال در عرفان اسلامی به چه عواملی وابسته بوده است؟
- ۲- آیا این اصطلاحات در نگاه هر یک از عرفا معنایی یکسان دارد؟ در صورت وجود تفاوت در دیدگاه و شیوه‌های بیان آن‌ها اختلاف نظر نویسندگان و شعرای مورد بحث در کدام موارد است؟

۳- در صورت وجود تفاوت دیدگاه‌های هر یک از آن‌ها درباره‌ی مقامات و احوال، چه عواملی در ایجاد این تفاوت‌ها مؤثر بوده است.

### فرضیه‌های تحقیق

۱- مقامات و احوال در عرفان اسلامی، هر چند تأثیراتی از مذاهب و ادیان پیش از خود گرفته است در نهایت سرچشمه گرفته از اصول مبانی دین اسلام است.

۲- دیدگاه‌های نویسندگان و شعرای مورد بحث درباره‌ی مقامات و احوال، از جهات بسیاری یکسان است چرا که همگی این عقاید با بستر و ریشه‌هایی یکسان شکل گرفته و رشد کرده‌اند. تفاوت‌ها و اختلاف‌نظرهایی در برخی جزئیات این موضوع میان آن‌ها وجود دارد.

۳- دلایل این اختلاف مسایلی چون شرایط حاکم بر جامعه‌ی مؤلفان، نوع جهان‌بینی و مشرب فکری آن‌ها و یا وابستگی به خرقة و یا طرز تفکری خاص و یا گرایش‌های مذهبی است.

در پایان از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر عباس محمدیان سپاس‌گزاری ویژه می‌نمایم که در همه‌ی مراحل این تحقیق، همواره پاسخ‌گوی سؤالات بی‌شمار من بوده‌اند و خامی‌ها و بی‌تجربگی‌هایم را صبورانه تحمل فرمودند. گذراندن این پایان‌نامه در محضر ایشان افتخار بزرگی برای من خواهد بود. همچنین از استاد مشاورم جناب آقای دکتر علی تسنیمی که دلسوزی‌هایشان نه تنها در نوشتن این تحقیق بلکه در طول این دو سال، سپری کردن سختی‌ها را برای من آسان نموده‌اند، کارشناس محترم گروه، مسئولان محترم کتابخانه‌ی مرکزی، و تمامی عزیزانی که راه نوشتن این پایان‌نامه را هموار کردند، سپاس‌گزاری می‌کنم.

---

فصل اوّل

معرفی نویسندگان و آثار آن ها

---

## بخش اوّل

### معرفی نویسندگان و آثار آنها

#### ابونصر سراج طوسی

ابونصر سراج از بزرگان طریقه‌ی زهد و تصوّف است که در قرن چهارم هجری می‌زیست. نام کامل او عبدالله بن محمد بن یحیی است. خانواده‌ی ابونصر در عصر خود به پارسایی و زهد شهرت داشته‌اند. ذهبی در کتاب *تاریخ اسلام* خود او را یک سنی مذهب متعصب معرفی می‌کند و معتقد است ابونصر به عنوان عالم فقه و اصول شناخته می‌شده که به آموزه‌های صوفیان روی آورده است و در نگاه صوفیه جزو مفسران تعالیم آنها به شمار می‌رود. (به نقل از: سراج، ۴۷: ۱۳۸۸)

از جمله مشایخ ابونصر، جعفر خلدی (متوفی ۳۴۸ هجری قمری) است و ابوسعید ابوالخیر (متوفی ۴۴۰ هجری قمری) را شاگرد وی دانسته‌اند. او جزء نخستین مؤلفان آثار صوفیانه در جهان اسلام و به زبان عربی بوده است که از قرن چهارم به بعد نوشته شده‌اند (ر.ک: سراج، ۱۳۸۸: ۴۸ و ۴۹).

جامی (متوفی ۸۹۸ هجری قمری) در *نفحات الانس* به این نکته اشاره کرده است که ابونصر علاوه بر کتاب *اللمع* آثار دیگری نیز در باب تصوّف دارد، اما در صورت صحت چنین ادعایی، هیچ



یک از این آثار در دست نیست، بنابراین، تنها اثری که از ابونصر بر جای مانده کتاب **اللمع فی التصوف** است که به زبان عربی نوشته شده است (ر.ک: جامی، ۱۳۶۶: ۲۸۳).

بر اساس آنچه خود ابونصر در **اللمع** می‌گوید او این کتاب را به درخواست یکی از دوستان خود که نامش را ذکر نکرده؛ نوشته است. «او با نوشتن این کتاب بر آن بود تا اصول واقعی تصوف را مطرح سازد و از طریق مباحثه نشان دهد که آن‌ها با آیات قرآن و سنت بزرگان دین همخوانی و تطابق دارند و از پیامبر(ص) و اصحابش پیروی کرده‌اند» (سراج، ۱۳۸۸: ۵۰).

ابونصر سراج در ماه رجب ۳۷۸ هجری قمری درگذشته است (ر.ک: سجّادی، ۱۳۷۹: ۷۸). تحقیقاتی که در عصر حاضر درباره‌ی ابونصر سراج انجام شده بسیار اندک و معمولاً بر پایه‌ی تحقیقات ادوارد بروان، نیکلسون و برتلس است و آنچه پس از این بررسی‌ها نوشته شده اغلب بر همین اساس بوده است.

نکته‌ی مورد توجه این است که اغلب نویسندگان قدیم صوفیه در آثاری که به ذکر احوال مشایخ پرداخته‌اند؛ نامی از ابونصر نبرده‌اند. اولین اشاراتی که به صورت رسمی به نام او و بررسی احوالش می‌شود؛ در کتاب **تذکره‌الاولیاء** عطار نیشابوری است. عطار نام ابونصر را همراه با عناوینی از جمله عالم عارف و نگین حلقه‌ی فقرا می‌آورد و لقب او در میان متصوفه را «سلطان الفقرا» ذکر می‌کند (ر.ک: عطار، ۱۳۶۶: ۶۳۵).

### کتاب **اللمع فی التصوف**

همان گونه که پیش از این گفته شد، ابونصر این کتاب را به خواهش یکی از دوستانش نوشته است و این نکته که هدف او مطابقت دادن شریعت و تصوف بوده است؛ در سراسر کتاب به روشنی دیده می‌شود. او حتی شطحیات مشایخ سکریه را هم به گونه‌ای شریعت‌پسند تأویل می‌کند و در عین حال در سرتاسر کتاب خود پای از حدود شرع بیرون نمی‌گذارد.

«شیخ ابونصر با اطلاعات گسترده‌ای که از قرآن و حدیث - حتی قرائت‌های شاذ و روایت‌های نادر - دارد پیوسته می‌کوشد که رگه‌های توهم برانگیز ناهمخوانی و ناهمسانی شریعت و طریقت را بخشکاند و براندازد و تصوّف و توسّعاً عرفان را - نه تنها طریقتی همساز شرع که کاملاً مقبول قرآن و مؤید رسول(ص) بلکه اصل و مغز حقیقت نهایی پیام رسول و قرآن بدانند» (سراج، ۱۳۸۸: ۳۲).

علاوه بر این گستردگی عام، چند فصل کتاب را به این مسئله؛ یعنی تطبیق دین و تصوّف اختصاص داده است. کتاب **اللمع** یکی از مهم‌ترین متون تصوّف است. علت اهمیت این کتاب نه تنها قدمت تألیف آن است، بلکه نوع نگاه مؤلف، گستردگی مباحث و موضوعات و پرداختن به مسائل غامض و شبه‌ناک، نثر متین و پخته و نگاه داشت تعادل در همه‌ی مقوله‌های مربوط به تصوّف نیز از عوامل تأثیرگذار بر گسترش نفوذ کم نظیر آن در بین همه گروه‌های عرفان‌گرا و صوفی مشرب بوده و هست.

### ساختار کلی کتاب **اللمع فی التصوّف**

شیخ ابونصر سراج کتاب **اللمع** را در چهارده فصل، یا کتاب، تدوین کرده است که هر کدام از این فصول به بررسی موضوعی خاص حول محور تصوّف می‌پردازد و طی ابواب مختلفی این موضوع را شرح و گسترش می‌دهد. ساختار کلی فصل‌ها و ابواب کتاب به این شکل است:

**کتاب اوّل** : مقدمات ← هجده باب (معنای علم تصوّف، صوفیان و اصناف آن‌ها، آداب و اوصاف صوفیان، ماهیت و ویژگی‌های تصوّف، توصیف عارف و ...).

**کتاب دوم** : احوال و مقامات ← نوزده باب (برشمردن و بررسی هر کدام از مراحل سیر و سلوک).

**کتاب سوم** : در باب دریافت صوفیان از قرآن و پیروی از آن ← نه باب (هماهنگی تصوّف با قرآن، چگونگی فهم قرآن به وسیله‌ی صاحب‌دلان و ...).

**کتاب چهارم:** در باب اسوه بودن رسول خدا (ص) و چگونگی اقتدا به او ← چهار باب  
(درک اهل تصوّف از پیامبر(ص)، اخلاق و احوال و افعال پیامبر و ...).

**کتاب پنجم:** مستنبطات (دریافت‌ها و برداشت‌ها) ← پنج باب (شیوه‌ی صوفیان در دریافت  
درست قرآن، استنباط‌های صوفیان درباره‌ی پیامبر(ص) و ...).

**کتاب ششم:** یاران و هم‌نشینان پیامبر(ص) ← هفت باب (درباره‌ی اصحاب و اندیشه‌ها و  
پیام‌هایشان، ذکر ابوبکر و عمر و عثمان و علی (ع) و ...).

**کتاب هفتم:** در مراسم و آداب صوفیان ← بیست و شش باب (ذکر آداب، آداب صوفیان در  
وضو، نماز، روزه سفر و حض، بذل مال و مقام و ...).

**کتاب هشتم:** درباره‌ی مسائل و اختلاف اقوال صوفیان در پاسخ‌های آن‌ها ← دوازده باب  
(جمع و تفرقه، صدق فقر و ...).

**کتاب نهم:** مکاتبات و خطبه‌ها و اشعار و دعاها و رسائل صوفیان ← پنج باب.

**کتاب دهم:** در سماع ← دوازده باب (سماع و تفاوت اقوال درباره‌ی آن، طبقات شنوندگان  
سماع و ...).

**کتاب یازدهم:** وجد ← شش باب (اختلاف رأی صوفیه در باب حقیقت وجد صفت وجدان،  
تواجد مشایخ صادق و ...).

**کتاب سیزدهم:** در بیان مشکلات ← دو باب (شرح اصطلاحات دشوار، بیان معنای این  
کلمات).

**کتاب چهاردهم:** تفسیر شطحیات و کلماتی که ظاهرشان زشت و ناپسند می‌آید ← سی و دو  
باب (معنای شطح و ردّ منکران آن، تفسیر برخی از شطحیات بایزید و ...).

## ارزش علمی و تاریخی کتاب *اللمع فی التصوف*

کتاب *اللمع فی التصوف* از نخستین کتاب‌هایی است که به طرح و معرفی موضوعات مربوط به صوفیه می‌پردازد. ابونصر در تألیف این کتاب اکثر مباحث تصوف را مطرح کرده است تا آن‌جا که می‌توان در بیشتر مسائل به آن مراجعه کرد. کوشش ابونصر در *اللمع* این است که تمامی مباحث را با استنباط و استدلال مطرح کند و همواره با اعتدال سخن بگوید و شرایط موجود را در نظر بگیرد تا بر اساس ظرفیت مخاطب و فضای روزگار خود و در چهارچوب عقل و نقل به نگارش کتاب خود بپردازد.

از دیگر ویژگی‌های علمی کتاب، اصالت اخبار و افکار مطرح شده در آن است، این مطالب یا از منابع اصیل اولیه ذکر شده یا به نقل از عرفای بزرگ آمده و یا افرادی مورد اعتماد آن‌ها را برای ابونصر نقل کرده‌اند. نکته‌ی برجسته‌ی دیگری که در کتاب *اللمع* دیده می‌شود؛ طبقه‌بندی‌ها و نظامی است که در بیان مطالب و موضوعات وجود دارد که وجهی علمی کتاب را پررنگ‌تر کرده و استفاده از آن را آسان می‌کند.

ارزش دیگر کتاب اهمیت تاریخی آن است؛ چرا که مجموعه‌ای از اسناد گرانبها را گرد آورده است که در اکثر موارد در جای دیگر اثری از آن‌ها نیست. درباره‌ی ارزش‌های ادبی و نگارشی *اللمع* می‌توان به نثر ساده و روان آن اشاره کرد. گویی شیخ ابونصر در ساده نویسی این مطالب کوشیده است و به عمد از آراستگی‌های زبان و نثر دوری گزیده است تا بتواند به معنای مباحث و رساندن آنها به مخاطب بپردازد. بررسی جایگاه *اللمع* در تاریخ ادبیات عرفانی نشان می‌دهد که این کتاب در خلق آثار ادبی منثور و حتی منظوم تأثیر ویژه‌ای داشته است از جمله دلایل این تأثیر قدمت تألیف این اثر و ویژگی‌های برجسته‌ی علمی و عرفانی و شیوه‌ی نگارش آن است. از این‌رو در بسیاری از آثار شعرا و نویسندگان ادب فارسی و بزرگان تصوف ریشه‌هایی از اندیشه‌ها و استدلال‌ها و لطایف و دقایق عرفانی موجود در کتاب *اللمع* دیده می‌شود.